

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

وعدۀ عقاب
به برخی اصحاب

۹ آبان ۱۳۸۶

۱۹ شوال ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله

على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ﴾^(۱) .

و از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند چون شکیبایی

نمودند و به آیات ما یقین داشتند .

مقدمه؛

در دو جلسه قبل پیرامون عدالت صحابه مطالبی را بیان کردیم و ثمرات و نتایج مترتب بر این نظریه را بیان نمودیم . گفتیم که اهل سنت بر این باورند که همه اصحاب رسول الله ﷺ عادل هستند و برای اثبات مدعی خود به آیاتی از قرآن مجید استناد نموده اند و ما مهمترین آیات مورد نظر آنان را در جلسه گذشته تلاوت نمودیم .

۱- سورة سجده، آیه ۲۴ .

عدالت مهاجرین و انصار؛

اهل سنت برای اثبات ادعای خود مبنی بر عدالت صحابه به آیه‌ای از سوره مبارکه توبه اشاره می‌نمایند و می‌گویند این آیه با صراحت تمام عدالت همه صحابه، که شامل مهاجرین و انصار می‌شود، را اثبات می‌کند. خداوند سبحان در سوره توبه می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۱).

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

اهل سنت می‌گویند دلالت این آیه برای اثبات مدعای ما بسیار روشن است؛ زیرا خداوند از کسانی که در روزهای آغازین ظهور اسلام ایمان آوردند که همان مهاجرین هستند و انصار که در مدینه بودند و با چهره‌ای گشاده از

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۰.

پیامبر ﷺ و مهاجرین پذیرایی نمودند راضی و خشنود است و منزلگاه نهایی آنان در بهشت است و در آن جاودان خواهند ماند؛ چنین انسانهایی حتماً عادل و صالح‌اند.

تأملی در سوره مدثر؛

به کمک آیه‌ای از سوره مدثر می‌توان اشکالی را بر استدلال اهل سنت به آیات مذکور وارد کرد. خداوند متعال در آن آیه می‌فرماید:

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ﴾^(۱).

مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم و تعداد آنها (نوزده ملک) را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزایند، و اهل کتاب و مؤمنان در حقیقت این کتاب آسمانی تردید به خود راه ندهند و **بیماردلان** و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» آری این

۱- سوره مدثر، آیه ۳۱.

گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست.

گروههای موجود در صدر اسلام؛

خداوند متعال در آیه فوق و آیات دیگری که در مکه مکرمه نازل شده است افراد و گروههایی را که در عصر ظهور اسلام وجود خارجی داشتند به چهار گروه عمده تقسیم می‌نماید، که عبارتند از:

- ۱ - مؤمنین که از صمیم دل اسلام آورده‌اند و ایمانی راستین داشتند.
 - ۲ - کفار و مشرکین که یا بت پرست بودند و یا به هیچ چیزی عقیده نداشتند.
 - ۳ - اهل کتاب که به دو گروه عمده یهودی و مسیحی تقسیم می‌شدند.
 - ۴ - بیمار دلان و یا به تعبیر قرآن مجید ﴿الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾. مسلمانان در محدوده و حیطة اصحاب رسول الله ﷺ قرار نمی‌گیرند. در رابطه با گروه اول هم که مؤمنین باشند ایراد و شبهه‌ای وجود ندارد و آنان قطعاً جزء اصحاب نیکوی رسول الله ﷺ می‌باشند.
- در این میان فقط یک گروه باقی می‌ماند که همان بیماردلان هستند؛ آنها کسانی هستند که در دل به خداوند و پیامبر گرامی اسلام ﷺ ایمان ندارند

و فقط به خاطر مصلحت‌های دنیوی خویش تظاهر به دینداری می‌نمودند. خداوند تبارک و تعالی بدترین تعبیرات را نسبت به آنان به کار برده است و همین گروه نقطه آغازین اختلاف ما و اهل سنت در مورد عدالت صحابه هستند.

بنابر مبنای اهل سنت، بیماردلان جزء صحابه رسول الله ﷺ هستند و نمی‌توان صحابی بودن آنان را انکار نمود^(۱). حال پرسش این است، که چگونه می‌توان قائل به عدالت همه صحابه شد در صورتی که خداوند به صراحت به برخی از آنان (بیماردلان) وعده آتش داده است!؟

قاعده‌ای در سوره‌های مکی و مدنی؛

در جلسه گذشته به تفاوت میان بیماردلان و منافقان اشاره کردیم. در مورد بیماردلان، هر چند سخن بسیار است، ولی فعلاً به همین اندازه بسنده می‌کنیم و سراغ معنای نفاق و منافق می‌رویم تا قدری هم با این خطر خزنده که در همه ادوار تاریخی، اسلام حقیقی را تهدید می‌کرده و می‌کند آشنا شویم. ولی قبل از آن خوب است که به یک قاعده کلی در مورد سوره‌های مکی و مدنی توجه کنیم. می‌توان به عنوان یک قاعده کلی به این مطلب اشاره کرد که در آیاتی که در مکه مکرمه بر پیامبر ﷺ نازل شده است از «بیماردلان» نام برده شده و به پیامبر ﷺ نسبت به حضور و نفوذ آنان هشدار داده شده است و در سوره‌هایی

۱- برای آگاهی از تعریف صحابه از دیدگاه اهل سنت به جزوه شماره ۲۹ مراجعه فرمایید.

که در مدینه منوره بر پیامبر ﷺ نازل شده است از « منافقین » نام برده می‌شود. البته در این مورد یک استثناء هم وجود دارد؛ زیرا در سوره عنکبوت که آخرین سوره‌ای است که در مکه مکرمه بر پیامبر نازل شده از منافقین سخن به میان آمده است^(۱). شاید راز این مطلب در این باشد که پیش بینی فراگیر شدن اسلام در همان روزهای تنهایی اسلام در مکه کار دشواری نبود و بیماردلان یا همان فرصت طلبان را به طمع انداخته بود^(۲) ولی در مدینه چون اسلام قدرتی پیدا کرده بود، از طرفی مسلمین جنگهای بسیاری در پیش داشتند، این فرصت طلبان به سوراخها خزیدند اما هنوز یک خطر مسلمانان را تهدید می‌کرد و آن چیزی جز پدیده نفاق و منافقین نبود.

معنای منافق؛

تفاوتهای روشنی بین بیماردلان و منافقان وجود دارد که با اندک تأملی در آیات قرآن می‌توان به آنها پی برد.

برای این که مطلب خوب روشن شود، ابتدا به معنای لغوی واژه منافق می‌پردازیم؛ اهل سنت در کتبی که در معانی کلمات نوشته‌اند منافق را این گونه تعریف و معنا می‌کنند.

۱- سوره عنکبوت، آیه ۱۱.

۲- مستندات این مطلب را در جزوه شماره ۲۹ بنگرید.

« هو الذي يستتر كفره و يظهر إيمانه »^(۱).

منافق کسی است که کفر خود را پنهان و ایمان خود را آشکار می نماید.

منافق کسی است که در دل و واقعاً کافر است و ایمان ندارد ولی تظاهر به دینداری می نماید و خود را فردی مسلمان و پایبند به اعتقادات جلوه می دهد. این تعریف و ویژگی به هیچ وجه با وضعیّت مسلمانانی که در صدر اسلام در مکه مکرمه بودند سازگاری ندارد. مسلمانان در سیزده سال آغازین ظهور اسلام در مکه مکرمه شرایط و موقعیتی نداشتند که گروهی بخواهند تظاهر به اسلام و دینداری نمایند. مسلمانان در مکه در شرایط بسیار سختی بودند و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در پایین ترین سطح ممکن بودند و با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می کردند؛ بنابر این قدرتی نداشتند که کسی بخواهد از ترس جان و مال خود تظاهر به اسلام کند و راه نفاق در پیش بگیرد؛ لذا مکه دوران ظهور نفاق نبود بلکه پیامبر ﷺ پس از هجرت به مدینه به این گروه برخورد کردند.

انگیزه های نفاق در قرآن؛

برای اثبات این ادعا که منافقین پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه شکل گرفتند و غیر از بیمار دلانی می باشند که از بدو ظهور اسلام همراه پیامبر ﷺ بودند، باید با تأمل در آیات قرآن، انگیزه های منافقین را بیان کنیم

۱- النهایة ابن اثیر، جلد ۵ صفحه ۹۸.

که چرا و به چه علت گروهی به ظاهر خود را مسلمان نشان می‌دادند.

۱- گروهی برای دست یابی و بهره‌مند شدن از مطامع و منافع مادی و دنیوی

اظهار دینداری می‌کردند. در رابطه با این گروه از منافقین خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾^(۱).

از میان مردم کسی است که خدا را تنها با زبان می‌پرستد، همین که خیری به او برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کند، اما اگر مصیبتی برای امتحان به او برسد دگرگون می‌شود (و به کفر رو می‌آورد)، به این ترتیب هم دینا را از دست داده است و هم آخرت را، و این همان خسران و زیان آشکار است.

از این آیه روشن می‌شود که گروهی از منافقین برای منافع و حطام^(۲) دنیوی اظهار دینداری می‌کنند. ناگفته روشن است که مسلمانان در مکه در شرایط و موقعیتی نبودند که برخی بخواهند به ظاهر خود را مسلمان وانمود نمایند.

۲- گروهی دیگر برای به دست آوردن صدقه و زکات، خود را مسلمان

جلوه می‌دادند، در این رابطه خداوند سبحان می‌فرماید:

۱- سوره حج، آیه ۱۱.

۲- حطام: پاره و شکسته چیزی، کنایه از مال دنیا (فرهنگ معین).

﴿ وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْطُونَ ﴾ (۱).

و در میان آنها کسانی هستند که در (تقسیم) غنائم به تو خرده می‌گیرند، اگر از آن (غنائم سهمی) به آنها داده شود راضی می‌شوند، و اگر داده نشود خشم می‌گیرند.

۳- گروه دیگر از منافقین کسانی هستند که می‌گویند اگر خداوند به ما رزق و روزی دهد در ایمان خود پایبند خواهیم ماند و بینوایان را دستگیری خواهیم نمود، در رابطه با این گروه از منافقین خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَمِنْهُمْ مَّن عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ * فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ * فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴾ (۲).

بعضی از آنها با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد و از صالحان خواهیم بود» * اما هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی بر تافتند * این عمل، نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دل‌هایشان برقرار ساخت. این بخاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند، و بخاطر آن است که دروغ می‌گفتند.

۱- سوره توبه، آیه ۵۸.

۲- سوره توبه، آیات ۷۷-۷۵.

۴- گروه دیگر از منافقین کسانی بودند که از ترس اینکه مبدا موقعیت و پایگاه اجتماعی شان متزلزل شود و آن را از دست دهند به ظاهر اسلام آوردند، آنان متکی به پشتوانه‌های خانوادگی و قومیتی بودند و برای حفظ آنها مجبور بودند هم‌رنگ مسلمانان شوند.

۵- برخی دیگر از منافقین کسانی بودند که می‌خواستند پیامبر ﷺ آنان را از جهاد معاف بدارد، در حالی که مؤمنان واقعی حاضر به جان فشانی بودند حتی برخی از آنان که به سنّ بلوغ نرسیده بودند نزد پیامبر ﷺ التماس می‌کردند که به آنان اذن جهاد داده شود، در قرآن مجید در رابطه با این گروه آمده است،

﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ ائْذِنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ﴾^(۱).

بعضی از آنها می‌گویند: «به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم) و ما را به گناه نیفکن!» آگاه باشید آنها هم اکنون در گناه سقوط کرده‌اند، و جهنم کافران را احاطه کرده است.

۶- گروهی دیگر از منافقان برای گریز از جنگ و جهاد به هر مکانی پناه می‌بردند، اما مسلمانان واقعی با اشتیاق و افتخار در جهاد شرکت می‌کردند. در این رابطه خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً اَوْ مَغَارَاتٍ اَوْ مُدْخَلًا لَّوَلَّوْا اِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَعُوْنَ﴾^(۲).

۱- سوره توبه، آیه ۴۹.

۲- سوره توبه، آیه ۵۷.

اگر پناهگاه یا غارها یا راهی در زیر زمین بیابند، [منافقان] به سوی آن حرکت می‌کنند و با سرعت و شتاب فرار می‌کنند.

۷- بزرگان اوس و خزرج می‌خواستند عبدالله بن ابی سلول را در مدینه به سلطنت برسانند، اما حضور پیامبر ﷺ در مدینه، آنان را در این خواسته ناکام کرد به همین دلیل برای اختلاف افکنی در بین صفوف مسلمانان دست به هر کاری زدند از آن جمله مسجدی را بنا نهادند، خداوند متعال از آنان به «مسجد ضرار» نام برد و به پیامبر ﷺ دستور ویرانی آن را داد، در این رابطه خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاجًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾^(۱).

(گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن (به مسلمانان) و (تقویت) کفر، و تفرقه افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش ﷺ مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی و خدمت نظری نداشتیم» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند.

مسلمانانی که در مکه بودند در شرایط و موقعیتی نبودند که گروهی

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۷.

بخواهند در میان آنان اختلاف و تفرقه ایجاد نمایند بنابر این به دستور خداوند متعال پایگاه آنان تخریب گردید.

شرایط مسلمانان در مکه؛

بر اساس آیات قرآن مجید، منافقان برای دسترسی به مال و منال دنیوی تظاهر به دینداری می‌کردند، آنان دنیا را از زاویه ثروت و تمتعات مادی نگاه می‌کردند.

سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا شرایط اسلام و مسلمانان در صدر اسلام و آن سیزده سالی که رسول الله ﷺ در مکه تشریف داشتند به گونه‌ای بود که چنین انگیزه‌ای در برخی از افراد ایجاد شود؟ با مطالعه اندکی در تاریخ صدر اسلام، می‌توان بدون هیچ تردیدی به پرسش فوق پاسخ منفی داد. مسلمانان در ابتدای ظهور اسلام در نهایت فقر به سر می‌بردند و اسلام آوردن خود را پنهان می‌کردند. آنان حتی مدتی را در شعب ابو طالب^(۱) در محاصره مالی و اقتصادی بودند و آن چنان زندگی برای مسلمانان سخت بود که گاهی با نصف خرما روز را سپری می‌کردند.

سعد وقاص می‌گوید: «روزی در شعب ابو طالب آن چنان گرسنه و درمانده شده بودم که پوست شتر مرده‌ای را برداشتم و آن را سوزاندم و پودر کردم

۱- حضرت ابو طالب رضی الله عنه در این منطقه به خاک سپرده شده است.

و با آب آن را خمیر کردم و همانند نان آن را پختم و سه روز گرسنگی خود را با خوردن آن بر طرف نمودم»^(۱).

هیچ دلیل قانع کننده‌ای وجود ندارد که برخی در آن شرایط سخت به ظاهر خود را مسلمان معرفی کنند بلکه اگر کسی اسلام می‌آورد آن را آشکار نمی‌کرد. حاکمان مکه در آن زمان افرادی را که اسلام می‌آوردند، چون، بلال، یاسر و سمیه و ... در زیر آفتاب و بر روی سنگهای داغ و تفتیده شکنجه می‌کردند.

با این توصیفات، بدون هیچ تردید و درنگی می‌توان گفت که تمام آیات مربوط به منافقین پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه نازل شده است و زمان و مکان ایجاد و رشد آنان پس از هجرت و در شهر مدینه بوده است.

مسلمانان در مکه دارای شرایط و موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالایی نبودند که برخی از ترس و بیم از دست دادن آنها تظاهر به مسلمانی نماید. پس از هجرت به مدینه، اندک اندک وضع مسلمانان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بهبود یافت و عظمت و جبروت حکومت اسلامی، رفته رفته نمایان گردید به همین دلیل است که گروهی در مدینه به خاطر بهره‌مند شدن از این منافع به ظاهر اسلام آوردند.

کسانی که واقعاً در مکه مسلمان شدند در بدترین شرایط اجتماعی بودند،

۱- چهارده نور پاک، دکتر عقیقی بخشایشی، جلد ۱ صفحه ۷۸.

آنان نه تنها در انتظار دست یابی و بهره‌مندی از منافع مادی و دنیوی نبودند بلکه می‌دانستند به زودی توسط اطرافیان و یا اربابان خود شکنجه خواهند شد.

عهدنامه سران قریش به مسلمانان؛

برای اینکه کمی بیشتر به شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی مسلمانان در سالهای آغازین ظهور اسلام آگاه گردیم به مفادّی از عهد نامه‌ای که مشرکین و سران قریش نوشتند اشاره‌ای می‌نماییم^(۱). آنان پیمان نامه‌ای را برای درتنگا قرار دادن مسلمانان نوشتند و آن را در خانه کعبه آویختند و هم پیمان شدند که تا آخرین لحظه حیات خود به آن پایبند باشند. برخی از مواد آن بدین قرار است:

۱- هر نوع خرید و فروش، داد و ستد و معامله با [حضرت] محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحاب و یارانش ممنوع است.

۲- هر نوع ارتباط و معاشرت با مسلمانان ممنوع است.

۳- هر نوع پیوند زناشویی و خانوادگی با مسلمانان ممنوع است.

۴- از مخالفین مسلمانان به هر صورتی باید حمایت شود.

تا بدین جا این نکته روشن گشت که تمام آیاتی که در مورد منافقین و نفاق در قرآن مجید ذکر شده است در مدینه بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده است. اما همچنان که بیان کردیم فقط در سوره عنکبوت که سوره‌ای مکی است از منافقین

۱- منتهی الامال، صفحه ۶۵- سیره ابن هشام، جلد ۲ صفحه ۱۴.

نام برده شده است و این بدین دلیل است که سوره عنکبوت در آخرین روزهای اقامت پیامبر ﷺ در مکه نازل شده است. در آن ایام پیامبر ﷺ در مکه با اهل مدینه بیعت کردند و آنان به شهر خود باز گشتند تا مقدمات حضور پیامبر ﷺ را در مدینه آماده و فراهم نمایند و برخی از فرصت طلبان (منافقان) دریافتند که پس از هجرت مسلمانان به مدینه آینده روشنی در انتظار آنان خواهد بود.

تعبیرات قرآن در مورد بیمار دلان؛

حال که با معنای نفاق و منافق، انگیزه‌های آن و خواستگاه پیرایش منافقان آشنا شدیم به بحث خود باز می‌گردیم و در رابطه با بیمار دلان و خواستگاه و انگیزه‌های آنان مطالبی را بیان نماییم. قرآن مجید در رابطه با بیمار دلان تعبیرات عجیب و قابل تأملی بیان نموده است.

تعبیرات به کار برده شده در رابطه با آنان بدین قرار می‌باشد.

۱ - ﴿الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾^(۱).

بیمار دلان.

۲ - ﴿الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾^(۲).

آنها که خدا و پیامبرش ﷺ را آزار می‌دهند.

۱- سوره‌های بقره آیه ۱۰، مانده آیه ۵۲، انفال آیه ۴۹، توبه آیه ۱۲۵، حج آیه ۵۳، نور آیه ۵۰، احزاب آیه ۱۲ و ۳۲ و ۶۰، محمد ﷺ آیه ۲۰ و ۲۹، مدثر آیه ۳۱.
۲- سوره‌های توبه آیه ۶۱، احزاب آیه ۵۷ و ۵۸.

۳ - ﴿الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾^(۱).

کسانی که با خدا و رسولش ﷺ دشمنی می‌کنند.

هر یک از این تعابیر معانی و مفاهیم گسترده‌ای دارد که برخی از آنان اشاره به ابزار بیماردلان برای رسیدن به اهدافشان نیز دارد.

ویژگی‌های بیماردلان در قرآن؛

با تأمل در آیاتی که در رابطه با بیماردلان در قرآن مجید ذکر شده است می‌توان به برخی از ویژگی‌های آنان اشاره نمود.

۱ - آنان دارای قدرت درک بالایی بودند؛ به عبارت دیگر ضریب هوشی آنان بالاتر از حدّ متوسط جامعه بود و دارای هوش و ذکاوت خاصی بودند آنان با تیز هوشی که داشتند پیشرفت و عظمت داعیه‌دار توحید یعنی رسول الله ﷺ را پیش بینی می‌کردند. علاوه بر ذکاوت و قدرت پیش بینی، با خواندن کتابهای آسمانی چون تورات و انجیل و حضور یهودیان در جزیره العرب به باور ذهنی خود یقین پیدا کردند که در آینده‌ای نه چندان دور مسلمانان، جزیره العرب را در اختیار خواهند گرفت. یهودیان نیز بر همین باور بودند به همین دلیل از زادگاه خود به جزیره العرب هجرت کردند و در اطراف مدینه سکنی گزیدند. علاوه بر موارد فوق، کاهنان و ستاره شناسان که در آن زمان از منزلت والایی برخوردار بودند و

۱-سوره مجادله، آیات ۵ و ۲۰.

گفته هایشان مورد قبول همگان بود موفقیت و پیشرفت فردی از قریش را پیش بینی کرده بودند. این افراد چون می‌خواستند به قدرت و ثروت دست یابند و سودای حکومت و سلطنت بر عرب را در سر داشتند برای رسیدن به خواسته‌های مادی و دنیوی خود راهی به جز مسلمان شدن نداشتند. رفتار آنان در مدینه و عملکردشان هنگام بیماری رسول الله ﷺ و ارتحال ایشان و چگونگی تسخیر، هدایت و جهت دهی افکار عمومی جامعه، به روشنی نیت‌های آنان را از مسلمان شدن، آشکار می‌نماید^(۱).

۲ - بیماردلان، روحیه علوطلبی، مقام خواهی و برتری جویی داشتند؛ آنان دارای ویژگی‌های خاص روحی و نفسانی بودند به گونه‌ای که به جایگاه و پایگاه خود قانع نبودند و همیشه می‌خواستند محدوده حکومت و ریاست خود را گسترش و ثروت خود را افزایش دهند.

۳ - آنان از طوایف مشهور مکه یا از قریش بودند؛ قریش در آن زمان دارای پایگاه اجتماعی و مکنت مالی بالایی بود، به عبارت دیگر بیماردلان به مراکز قدرت و ثروت مرتبط و وابسته بودند و انسانهای پستی نبودند که فاقد پایگاه اجتماعی و مردمی باشند و به همین دلیل تحمل اینکه روزی بخواهند جایگاه خود را از دست بدهند را نداشتند لذا با هر ترفندی که در آستین داشتند از جایگاه خود مراقبت می‌کردند که از آن جمله تظاهر به اسلام بود.

۱- در آینده با تکیه به منابع اهل سنت در این مورد بحث خواهد شد.

۴ - این گروه فوق العاده تظاهر به دینداری می‌کردند و نقش خود را خوب بازی می‌کردند و نزد همگان اینگونه وا نمود کرده بودند که مؤمنین واقعی و راستین هستند و حامی و پشتیبان رسول الله ﷺ می‌باشند، اگر در موردی آنان با پیامبر ﷺ مخالفت می‌کردند، مردم آن را حمل بر دشمنی و عداوت نمی‌کردند و گاهی اوقات نیز می‌گفتند که حق به جانب آنان است و رسول الله ﷺ اشتباه می‌کند!! خلاصه اینکه خود را در میان مردم محبوب القلوب کرده بودند.

عملکرد بیماردلان در جهاد؛

بیماردلان به خاطر طمع و دستیابی به قدرت و ثروت ایمان آورده بودند و نمی‌خواستند ناکام از دنیا بروند؛ به همین دلیل به بهانه‌های مختلف از حضور در جنگ فرار می‌کردند، اما انسانهایی که با اخلاص ایمان آورده بودند برای درک معنویت و رفتن به بهشت حاضر بودند جان خود را فدا نمایند. خداوند متعال با بیانی بسیار زیبا اوضاع و احوال بیماردلان را هنگامی که دستور جنگ صادر می‌شد را بیان نموده است.

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ﴾^(۱).

۱-سوره محمد ﷺ، آیه ۲۰.

کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «چرا سوره ای نازل نمی شود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟!» اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می گردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیمار دل را می بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می کنند، پس مرگ و نابودی برای آنان سزاوارتر است!

بیماردلان هنگام جهاد بر سر دو راهی قرار می گرفتند؛ از یک طرف اگر به جنگ نمی رفتند هویتشان بر همگان آشکار می گشت و از سوی دیگر اگر به جهاد می رفتند، احتمال کشته شدن وجود داشت و در آن صورت ناکام می شدند و نمی توانستند به امیال و خواسته های نفسانی خود دست یابند، لذا یا به بهانه های مختلف از شرکت در جنگ سرباز می زدند و یا اینکه اگر در جنگ شرکت می کردند در حاشیه می ایستادند.

منافقان و بیماردلان در قرآن:

در برخی از آیات قرآن کریم نام بیماردلان مستقل ذکر شده است و در موارد دیگری در کنار منافقین و قسیم آنان ذکر شده است و با واو عطف به منافقین عطف شده است. طبق قواعد علم نحو، اقتضای واو عاطفه، تعدد می باشد مگر قرینه ای در کلام آید و نشان دهد که حرف واو برای عطف بیان می باشد^(۱).

۱- البهجة المرضية، جلد ۲ صفحه ۶۴.

﴿إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^(۱).

و هنگامی را که منافقان، و آنها که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: «این گروه (مسلمانان) را دینشان مغرور ساخته است» آنها نمی‌دانستند که هر کس بر خدا توکل کند پیروز می‌گردد خداوند قدرتمند و حکیم است.

منافقین و بیماردلان مسلمانان را مسخره می‌کردند و می‌گفتند: مسلمانان فریب دین خود را خورده‌اند.

در آیه‌ای دیگر خداوند متعال بسیار روشن در رابطه با بیماردلان سخن می‌گوید و به مسلمانان هشدار می‌دهد که شما همانند گروهی از مهاجرین نباشید که برای طلب ریاست خانه و کاشانه خود را در مکه رها کردند.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾^(۲).

و مانند کسانی نباشید که از روی هوا پرستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم از سرزمین خود بیرون آمدند و مردم را از راه خدا باز می‌داشتند و خداوند به آن چه عمل می‌کنند احاطه و آگاهی دارد.

۱- سوره انفال، آیه ۴۹.

۲- سوره انفال، آیه ۴۷.

در جنگ خندق پیامبر ﷺ به مسلمانان وعده پیروزی داد اما همین که زمان جنگ به درازا کشیده شد منافقان و بیماردلان از این موقعیت استفاده کردند و سعی کردند که مسلمانان را نسبت به صدق گفتار رسول الله ﷺ به شک و شبهه بیندازند، در این زمینه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾^(۱).

و نیز به خاطر آورید زمانی را که منافقان و بیماردلان می گفتند: «خدا و پیامبرش ﷺ [جز وعده های دروغین به ما نداده اند.

خداوند متعال در آیه ای به طور جدی آنان را تهدید می کند و می فرماید: اگر دست از کارهای زشت خود بردارید شما را رسوا و پیامبر ﷺ را بر شما مسلط می نمایم.

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾^(۲).

اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود بردارند تو را بر ضد آنها می شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند.

۱-سوره احزاب، آیه ۱۲.

۲-سوره احزاب، آیه ۶۰.

نتیجه سخن!

با توجه به آیاتی که بیان نمودیم زادگاه و خواستگاه بیماردلان و منافقان روشن گشت. بیماردلان به خاطر زیرکی و ذکاوتی که داشتند از آغاز ظهور اسلام و از مکه همراه پیامبر ﷺ و مسلمانان بودند؛ زیرا می‌خواستند در آینده‌ای نزدیک به حکومت برسند و به قدرت و ثروت افزونتری دست یابند. اما ظهور و بروز منافقان در مدینه بود؛ زیرا نمی‌خواستند با مخالفت آشکار با مسلمانان موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود را متزلزل کنند و از دست بدهند.

طرح یک سؤال:

پرش ما از اهل سنت و عامه این است که در رابطه با دو گروه منافقان و بیماردلان چه نظری دارند؟ وجود این دو گروه را نمی‌توان انکار کرد و از طرف دیگر آنان همراه رسول الله ﷺ و در میان مسلمانان زندگی می‌کردند؛ به عبارت دیگر طبق مبنای اهل سنت از صحابه به شمار می‌روند و از سوی دیگر مورد عتاب خداوند قهار قرار گرفته‌اند و به تعبیر قرآن مجید به آنان وعده عقاب و جهنم داده شده است، آنان افرادی هستند که هنگام جنگ از ترس بی‌هوش می‌شدند و خداوند متعال مرگ را برای آنان از زندگی شایسته و سزاوارتر می‌داند. آیا می‌توان در مورد همه صحابه یک حکم جاری نمود و همه آنان را عادل دانست؟!

پیامبر ﷺ و هراس از منافقان؛

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در نامه مفصلی به محمد ابن ابی بکر، هنگامی که وی را به عنوان حاکم مصر معرفی می‌نمایند از قول رسول الله ﷺ در رابطه با منافقان می‌نویسند:

«وَلَقَدْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِكًا. أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ وَأَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْمَعُهُ اللَّهُ بِشُرْكَهِ، وَلَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ الْجَنَانِ عَالِمِ اللِّسَانِ، يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَيَفْعَلُ مَا تَنْكُرُونَ»^(۱).

روزی رسول الله ﷺ به من فرمودند: من بر ائمتم نه از مؤمن هراس دارم و نه از مشرک، زیرا مؤمن را پروردگار، به دلیل ایمانش از فتنه و فساد دور می‌دارد و مشرک را هم به سبب عناد و عصیانش ذلیل و خوار می‌گرداند. اما من بر شما بیم دارم از کسی که در دل منافق و در زبان عالم باشد چنین کسی برای شما سخنان پسندیده می‌گوید؛ اما در نهان کاری می‌کند که شما روی گردان از آن هستید.

هراس پیامبر ﷺ از منافقان و دو رویان است؛ کسانی که زبان‌دانند و با الفاظ خوب بازی می‌کنند و قدرت فریبکاری مردم را دارند آنان سخنان مورد

۱- نهج البلاغه، نامه ۲۷.

قبول و پذیرش ما را بیان می‌کنند، اما اعمال و افعالشان زشت و ناپسند است و به تعبیر حافظ « چون به خلوت می‌رود آن کار دیگر می‌کنند ».

با توجه به آیات قرآن مجید، چنین وضعیتی را در میان صحابه یافتیم که نمی‌توان با قاطعیت حکم به عدالت همه داد. انشاء الله در جلسات آینده هنگامی که به روایات و حوادث تاریخی اشاره می‌نماییم، وضعیت صحابه روشنتر خواهد گشت. ناگفته نماند برای شناسایی صحابه به روایات و کتب تاریخی مورد قبول و اعتماد اهل سنت استناد خواهیم نمود.

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خود آزمایی؛

① اهل سنت با چه آیه‌ای و چگونه عدالت مهاجرین و انصار را اثبات می‌نمایند؟

② گروه‌های عمده صدر اسلام را نام ببرید و توضیح دهید.

③ منافق به چه معنایی است؟

④ قرآن مجید انگیزه‌های عمده نفاق را چه می‌داند؟

⑤ آیا شرایط و موقعیت مسلمانان در مکه اقتضای ظهور و بروز نفاق را ایجاب می‌کرد؟ چرا؟

⑥ عهدنامه سران قریش با مسلمانان دارای چه مضمونی بود؟

⑦ در قرآن از بیماردلان چه تعبیراتی شده است؟

⑧ قرآن مجید بیماردلان را دارای چه ویژگی‌های می‌داند؟

⑨ بیماردلان هنگامی که آیه جهاد نازل می‌شد چه می‌کردند؟

⑩ تهدید قرآن به بیماردلان چه بود؟ چرا؟

⑪ آیا می‌توان به طور کلی تمام اصحاب پیامبر ﷺ را عادل دانست؟ چرا؟

⑫ امیرالمؤمنین علیه السلام از قول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با منافقان چه می‌فرمایند؟

بیماردلان به خاطر طمع و دستیابی به
قدرت و ثروت ایمان آورده بودند و
نمی خواستند ناکام از دنیا بروند؛ به همین
دلیل به بهانه های مختلف از حضور در
جنگ فرار می کردند، اما انسانهایی که با
اخلاص ایمان آورده بودند برای درک
معنویت و رفتن به بهشت حاضر بودند
جان خود را فدا نمایند. خداوند متعال با
بیانی بسیار زیبا اوضاع و احوال بیماردلان
را هنگامی که دستور جنگ صادر می شد
را بیان نموده است.

(صفحه ۲۰ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشری رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۳۰

۶۹